

بزرگتر شدم و فهمیدم؛ آن‌ها نمی‌خواهند من را بپذیرند. اگر تو نیز
ظاهرت با آدم‌ها فرق داشته باشد برای پذیرفتن باید بجنگی و زجر
بکشی که در انتها به در بسته می‌خوری. من فقط خودم را پذیرفتم و
گور پدر هر کسی که نمی‌خواهد قبول کند من نیز انسانم! به من
طوری نگاه می‌کنند انگار از سیاره‌ی دیگری آمده‌ام؛ خنده‌دار است نه؟
جنس ما همینقدر می‌تواند خودخواه باشد. اوه یادم رفت، قرار شد از
خودم نگویم! بگذریم؛ شما به خدا باور دارید؟ جوابت را نمی‌دانم اما
دوست دارم فرض کنم که دارید؛ و به درک اگر من نیز خود خواهم.
واقعیتش هر طور فکر کنی وجود خدا تسلی بخش است و عقل و قلب
خواستار وجود او هستند. حداقل در تنهایی‌هایمان کسی هست که
شاهد رنج‌هایمان باشد، اینطور نیست؟ عاقلان بیشتر به بودنش پی
می‌برند، شاید پیش خودت فکر کنی من چقدر عاقلم که می‌گویم
عاقلان! راستی تو می‌توانی فکر کنی؟ زیرا ما انسان‌ها همچنین قدرت
خارق‌العاده‌ای داریم! ما فکر می‌کنیم و فکرمان مسافری قدرتمند و
خستگی‌ناپذیر است که به همه جا سفر می‌کند. راستش را بخواهی
فرق چندانی با بقیه موجودات چه زمینی چه فضایی نداریم. مثل آن‌ها
می‌خوریم، می‌خوابیم و کارهای دیگر. تنها تفاوتمان این است که ما
فکر می‌کنیم و فکر کردن از عهده‌ی بقیه‌ی موجودات خارج است.
زندگی انسان چیزی نیست جز افکارش. واضح‌تر بگویم: هیچ چیز
متعلق به بشر نیست جز تفکراتش. شاید موجودات دیگر احساسات
داشته باشند ولی فکر و اندیشه؟ ما خود در جست‌وجوی چنین
موجوداتی جز خودمان هستیم بلد باشند فکر کنند. فکر انسان
می‌تواند به بالاتر از آسمان‌ها برود؛ جایی که خدا هست و حتی بالاتر
طوری که از خودش می‌پرسد بالاتر از خدا کیست؟ اکثریت ذاتی را
پرستش می‌کنند که او را ندیده‌اند و نمی‌شناسند ولی هر کدام به روش
خود به او عرض احترام می‌کنند. میلیاردها آدم ساکن این کره هستند و
به تعداد هر کدام تفکر و باور وجود دارد، شگفت انگیز است نه؟
بگذریم؛ آنقدر برای حرف دارم که مجبورم بگویم بگذریم تا از عجایب
ما نپروان‌های مغزت اتصالی نکنند، البته اگر مغزی داشته باشی. از
آغاز آفرینش بگویم، از آدم؛ اشرف مخلوقات! می‌دانی معنی اشرف
چیست؟ اشرف یعنی مهم‌ترین و شریف‌ترین نسبت به هر چیز. اوه
بخشید؛ حواسم نبود شاید معنی شریف را ندانی، اشکالی ندارد؛ ما
خودمان هم آدم شریف کم داریم پس دانستن و ندانستن معنی

شرافت برای تو هیچ سود و ضرری ندارد.
با توجه به معنایش می‌توان گفت انسان بر همه برتریت دارد، و
حقیقت همین است؛ زیرا هیچ موجودی نتوانسته اندازه او خرابی به بار
بیاورد؛ البته قدرت درست کاری و آبادسازی او زیاد است اما یک قانون
ننوشته برای او وجود دارد و او این است: بدی همیشه به خوبی پیشی
می‌گیرد. نمی‌خواهم بگویم بدی همیشه پیروز است ولی اگر خودت
میان آدم‌ها زندگی می‌کردی قطعاً متوجه می‌شدی. انسان‌های خوب
بسیاری تبدیل به آدم‌های بد شدند اما به ندرت کسانی را پیدا می‌کنی
که می‌خواهند انسان خوبی باشند! سخن را خلاصه کنم؛ تو که قرار
نیست بروی یا فرار کنی زیرا هنوز میان ما نزیسته‌ای تا قال گذاشتن و
پیچاندن را یاد بگیری، پس در نامه‌های بعدی برایت بیشتر می‌گویم! از
قصه‌هایی که دیده و خوانده‌ام. از بشر و بازی‌هایش، از عجایب زمین
و سرزمین‌ها. پس تا آن زمان، خدانگهدار.

ادامه دارد ...

- سرهنگ

Tags: برگشت

